



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز اطلاع و علوم انسانی

کودکی، کتاب، خانواده

ایرج جهانشاهی :

نش خانه و کود کستان

یکی از بزرگترین گامهایی که در راه پیشبرد هدفهای انقلاب آموزشی برداشته شده تأسیس کود کستانهاست، به مقیاس وسیع. اگر این کود کستانها، مرچه بیشتر، در مناطقی تأسیس شوند که مردم آن مناطق به لهجه‌های دیگر یا زبانی غیر از فارسی گفتگو می‌کنند، در دگرگونی آموزش و پرورش ایران نقشی بسیار مؤثرتر خواهد داشت.

باشد که کودک با روشی درست و حساب شده، در خانواده، برای گذراندن دوره کود کستان آماده شده باشد.

دوران کودکی زمان تقسیمی صفات و عاداتهاست. پدر و مادر نخستین معلمان کودک خود هستند و حتی تا سالها بعد، مهمترین معلمانی هستند که فرزندان خود را پرورش می‌دهند. آنها هستند که صفات و عاداتهای کودک را پدید می‌آورند. آنها هستند که صفات و عاداتهای خوب، یا صفات و عاداتهای بد پدید می‌آورند. آنها هستند که زبان سمعی، یعنی شنیدن و گفتن، را به فرزند خود می‌آموزند. زبان سمعی پایه‌ای است برای آموزش زبان بصری، یعنی خواندن و نوشتن، و کودک اساس همه یادگیریهایش زبان آموزش است.

هر پدر و مادر آگاه و دلسوزی آرزو دارد که فرزندش دانش بیاموزد و برای خود و جامعه‌اش مفید و مؤثر باشد. اما بسیاری از پدران و مادرانی که نمی‌دانند خودشان تا چه میزان در برآورده کردن

کود کستان پلی است میان خانه و مدرسه. این پلی می‌تواند هموارکننده راه انتقال کودک از خانه به مدرسه باشد و اگر برنامه و فعالیت‌هایی حساب شده و منطبق بر نیازهای جسمی و روحی و رشد متناسب و هماهنگ جان و روان کودک داشته باشد، کودک با اشتیاق و بدون هیچ مشکلی این راه را خواهد پیود. چنین کود کستانی خواهد توانست کودک را به گونه‌ای آماده کند تا سالهای تحصیل رسمی او را به بهترین، مؤثر و مفید، و موفقیت آمیز بگذرد. ولی چنین کود کستانی وقتی می‌تواند در کار خود موفق

این آرزو مؤثرند.

می‌دانیم که تعلیم و تربیت به دو صورت در کودک اثر می‌گذارد: یکی تعلیم و تربیت رسمی، که مجموعه کوششهای مدرسه در پرورش قوای فکری و جسمی کودک است. دیگر تعلیم و تربیت غیررسمی، که همان تعلیم و تربیت خانوادگی است و اثر افراد جامعه بر یکدیگر و تأثیرپذیری از رسانه‌های همگانی، چون رادیو، فیلم و تلویزیون، روزنامه و کتاب و مجله. تعلیم و تربیت غیررسمی بیش از مدرسه اساس شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد و صفات مشترک این افراد است که سازنده و نشان دهنده شخصیت اساسی هر جامعه است.

شش سالی را که کودک در خانه، یا در خانه و کودکستان، می‌گذراند، می‌توان مهمترین سالهای یادگیری کودک دانست. در این سالهاست که کودک دست کم، دو معلم و مربی دلسوز سرخانه دارد: پدر و مادر، و گاه برادران و خواهران و مادر بزرگها و پدر بزرگها و دیگر کسان کودک؛ می‌تواند چون معلمان و مربیانی دلسوز نقشی مؤثر و جدا از هم، ولی باهدف و برنامه و فعالیتهایی مشترک، در پی تربیتی صفات و عاداتها و یادگیریها و مهارتهای کودک داشته باشند. آنها هستند که می‌توانند زبان آموزش، یعنی زبان فارسی را از راههای گوناگون به کودک بیاموزند. آنها هستند که می‌توانند دانش پایه و مهارتهای لازم و تجربه کردن و عمل کردن و اندیشیدن را به کودک بیاموزند. آنها هستند که می‌توانند رشد فکری و جسمی کودک را، پی‌درپی، ارزیابی کنند و عقبنمائیهای کودک را با استفاده از روشها

و وسایل گوناگون برطرف کنند. کودکی که از دامان چنین خانواده‌ای به مدرسه راه می‌یابد، بیگمان در تحصیل رسمی موفق‌تر خواهد بود.

ما از راه دیدن و شنیدن و خواندن و تجربه کردن به دریافت و درک امور و واقعیتها می‌پردازیم و از راه گفتن و نوشتن و عمل کردن عقاید و افکار و دانسته‌های خویش را به دیگران منتقل می‌کنیم. کودک دیدن و شنیدن و گفتن و تجربه کردن و عمل کردن را، پیش از آنکه به کودکستان یا دبستان برود، در خانه آغاز می‌کند. اینها ابزارهای اصلی دریافت و درک اندیشه‌ها و دانستیها هستند و تعلیم و تربیت، خواه رسمی و خواه غیررسمی، بر این پایه‌ها و مایه‌ها و ابزار اصلی یادگیری تکیه دارد.

می‌دانیم که اساس همه یادگیریها تفهیم و تفاهم به وسیله زبان است. تفهیم و تفاهم به یک زبان، چنانچه از راه گفتن و شنیدن و تجربه کردن و نوشتن چیزی جز به کار بردن و کشف نشانه‌ها و رمزهای زبان نیست. به کار بردن این نشانه‌ها و کشف این رمزها کاری است بسیار پیچیده و مشکل. اما کودک با تمرین و تکرار آنها را در دوران پیش از مدرسه به قدر نیاز خود و به تناسب محیط زندگی خویش از پدر و مادر و کسان دیگر خود می‌آموزد.

در زبان سمعی، یعنی گفتن و شنیدن، این نشانه‌ها، یعنی رمزهای زبان را به صورت صداهایی قراردادی به کار می‌بریم که اگر کودک آنها را بارها نشنود و بارها به کار نبرد، یادگیری زبان

ریش امکان‌پذیر نخواهد بود. در زبان بصری، یعنی خواندن و نوشتن، نیز همین نشانه‌های زبان سعی به صورت نشانه‌های بصری الفبا، که جانشین نشانه‌های صوتی هستند، به کار می‌روند. به این سبب است که کار خواندن و نوشتن برای کودک مشکل‌تر از شنیدن و گفتن است.

کودک باید نخست زبان سمعی را آموخته باشد تا بتواند به کشف رمزهای نشانه‌های بصری زبان بپردازد. زیرا هر یک از نشانه‌های بصری زبان به جای یکی از صداهایی به کار می‌رود که با آن گفتگو می‌کنیم. به زبان دیگر، باید بگوییم که زبان، در مراحل نخستین یادگیری، یک هنر تقلیدی است. کودک، پیش از آنکه زبان باز کند و نخستین کلمه را بگوید، آن کلمه را بارها از راه گوش شنیده است، به معنی و مفهوم، یعنی کاربرد آن کلمه، پی برده است و سپس برای بیان فکر خود آن را بر زبان آورده است. تا کودک کلمه‌ای را نشنود و به معنی و مفهوم آن پی نبرد، هرگز نمی‌تواند آن کلمه را برای بیان مقصود خود به کار برد. تقلید این شنیده‌هاست که سبب می‌شود کودک، پیش از آنکه به دبستان بیاید، تا حدی در ارکان سمعی زبان (شنیدن و گفتن) مهارت یابد. اساس کار دبستان نیز، برای آموزش هرگونه دانش یا مهارتی، بیشتر آموزش زبان بصری (خواندن و نوشتن) است، که بر پایه مهارت‌های کودک بر زبان سمعی استوار می‌شود.

افت بیش از اندازه دانش‌آموزان در کلاسهای اول و دوم دبستان و تلاش طاقت‌فرسای آموزگاران

کلاس اول برای یاد دادن زبان بصری به کودکان، و کوشش و تلاش دور از طاقت و توان دانش‌آموزان کلاس اول در یادگیری خواندن و نوشتن، و عادت نکردن و دل‌بستگی نداشتن کودکان و نوجوانان و حتی جوانان به مطالعه و سود بردن از خواندن، همه گویای این نکته است که ما، در بسیاری از روستاها و بعضی از شهرکها و شهرها، زبان بصری را هنگامی می‌خواهیم به کودک بیاموزیم که او زبان سمعی آموزش، یعنی زبان گفت‌و شنود فارسی، را در خانه یا کودکستان نمی‌داند یا به خوبی فرا نگرفته است. پیداست که چنین کودکی نه حرف معلم و مربی را می‌تواند بفهمد، نه می‌تواند به فارسی گفت‌و شنود کند و نه آن آمادگی را دارد که خواندن و نوشتن فارسی را به آسانی و در زمانی که برنامه درس معین کرده است یاد بگیرد. در چنین شرایطی نباید هم انتظار داشته باشیم که کودک از درس و مدرسه بیزار و فراری نشود و به خواندن و سود بردن از مطالعه دل‌بستگی و عادت پیدا کند. از این روست که اهمیت نقش نخستین معلمان کودک، یعنی پدر و مادر و دیگر نزدیکان او، بیشتر آشکار می‌شود. از این روست که اهمیت گسترش هرچه بیشتر زبان فارسی در خانواده‌هایی که به لهجه‌های گوناگون و حتی زبانی غیر از فارسی گفتگو می‌کنند، بیشتر آشکار می‌شود. زیرا زبان پایه یادگیری همه دانش‌هاست و در کشور ما ابزار اصلی یادگیری دانشها زبان فارسی است، یعنی زبانی که کودک می‌بایست آن را به صورت شنیدن و گفتن، پیش از آمدن به دبستان، در خانه یاد گرفته باشد. اگر پدر و مادر آشنا به این

زبان و روش آموزش آن به فرزند خود نباشند، چگونه می‌توان انتظار داشت که کودک ناگهان در کلاس اول دبستان هم زبان سمعی را بیاموزد و هم زبان بصری را؟ هر قدر هم که آموزگار کلاس اول کوشا و فداکار باشد، کوشش و تلاش در راه آموزش زبان فارسی به این گونه کودکان به آن نتیجه‌ای که مطلوب است نخواهد رسید. زیرا کودکان، گذشته از اینکه آمادگی لازم را برای یادگیری این زبان در خانه نیافته‌اند، حتی در دبستان، دور از چشم معلم، و در خانه و محیط اجتماعی خود گفت‌وگو و شنودشان به زبان دیگری است. به همین سبب است که تأسیس کودکانستانها، خاصه در مناطق روستایی و شهرکها و بعضی از شهرها، را بزرگترین گامی می‌دانیم که در راه پیشبرد هدفهای انقلاب آموزشی برداشته شده است. کودکانستان می‌تواند نتواناییها و ناآگاهیهای بسیاری از مادران و پدران را در آموزش و پرورش پیش از دبستان کودکان جبران کند. اگر خانواده نمی‌تواند به کودک زبان آموزش، یعنی زبان فارسی را بیاموزد، کودکانستان با برنامه‌ای درست و حساب شده و وسایل آموزشی وسیعی که در اختیار دارد از عهده این مهم برمی‌آید. حتی بهتر است که چنین مناطقی گذشته از کودکانستان، به مهد کودک نیز مجهز شوند. زیرا در مهد کودک کودکان سه ساله نیز می‌توانند راه یابند و از همان کودکی زبان فارسی را، همپای دیگر دانشهای پایه و مهارتها، یاد بگیرند. حال آنکه در کودکانستان کودکانی را می‌پذیریم که ششمین سال زندگی خود را آغاز کرده‌اند و يك سال برای کودکی که

زبان سمعی را نیاموخته است کافی نیست که بتواند او را برای آموختن زبان بصری (خواندن و نوشتن) آماده کنیم. به همین سبب است که این گونه کودکان یا مدرسه را زها می‌کنند، یا با بی‌میلی و بدون موفقیت متناسب با استعدادشان دوران تحصیل را می‌گذرانند، عادت به خواندن و سود بردن از مطالعه پیدا نمی‌کنند و سوادشان آسیب پذیر می‌شود، بعد دوران سقوط آنان به «بیسوادی فنی» زودتر فر می‌رسد.

خواندن چیست؟

برای اینکه به اهمیت نقش پدر و مادر و مرز کودکان و آموزگار دبستان در آموزش زبان و مقدمات خواندن بیشتر توجه کنیم، ناگزیر باید کمی دقیقتر و از دیدی علمی به فن خواندن توجه داشته باشیم. منظور از خواندن و مطالعه چیزی جز درک مطالب نوشته شده و شناخت ارزشها و معانی و مفاهیم کلمه‌ها و عبارات و جمله‌ها و دریافت دانستیها از این راه نیست.

کودک هنگامی قادر به پی بردن به معانی و مفاهیم نوشته‌ها خواهد بود که از پیش معنی و مفهوم چیزی را که می‌خواند جزء به جزء بداند و از خواندن آن به اندیشه‌ای که در نوشته پنهان است پی ببرد به بیان دیگر، باید گفت: مجموعه کلمه‌ها و جمله‌ها و معلومات و اطلاعاتی که کودک در سنین پیش از مدرسه، یعنی مراحل نخستین زبان آموزی (شنیدن و گفتن) فرا می‌گیرد، پایه‌ای برای آموزش خواندن است.

مهارت یافتن در شنیدن و گفتن و گسترش یافتن دامنه لغات و معلومات و اطلاعات کودک در سنین پیش از مدرسه او را در خواندن و سپس نوشتن توانا تر می کند.

و دانشهای قبلی شما برای یافتن این معنی تازه، که در ضمیر جمله است، به شما کمک می کند که پیام نویسنده را از مجموعه کلمه‌هایی که برای بیان اندیشه‌ای به کار برده است دریابید.

اگر هنگامی که خودتان مشغول مطالعه هستید، کتاب یا روزنامه را کنار بگذارید و اندکی به آنچه سب شده است که شما بتوانید مطالعه کنید بیندیشید، با اهمیت روشهایی که شما یا مربی کودکان باید به کار برید تا کودک را برای خواندن آماده کنید بیشتر معتقد خواهید شد.

۴ - درباره آنچه خوانده‌اید عکس‌العملی نشان می‌دهید، چون تجربه‌ها و دانشهای قبلی شما را به تفکر وامی‌دارد که درباره آنچه خوانده‌اید اندیشه کنید و به‌دآوری برخیزید.

این گونه خواندن پیشرفته‌ترین نوع مطالعه است، و نوعی است که کودکان ما باید آنرا در همان نخستین سالهای تحصیل در دبستان یاد بگیرند و در سراسر زندگی دنبال کنند. باید یاد بگیرند که یک خواننده متفکر باشند، باید یاد بگیرند که مطالعه کنند، نه فقط بخوانند. زیرا خواندن، گذشته از شناختن خط، مهارتی است که آنرا از کودکی باید در خانه و کودکانستان به کودک آموخت و در دبستان و دوره راهنمایی تحصیلی و دبیرستان، حتی دانشگاه، بر این پایه و پایه افزود.

وقتی که شما مشغول مطالعه هستید، کاری پیچیده‌ای، که محصول سالها تجربه و دانش اندوژی است، انجام می‌دهید:

۱ - با یک نگاه کلمه‌ها را باز می‌شناسید، چون هر یک را صدها بار پیش از آن دیده‌اید و شناخته‌اید. شکل کلمه در ذهنتان به صورت آوای آن کلمه شناخته می‌شود، زیرا با قراردادهای رمز گفتاری زبان از پیش آشنا بوده‌اید و رمز نوشتاری، که در زبان بصری به جای رمز گفتاری به کار می‌بریم، برایتان بیگانه نیست و ذهنتان به آسانی کشف رمز می‌کند.

آموزش مقدمات خواندن

وجه تمایز بیسواد از با سواد این است که بیسواد کاربردش زبان سمعی است، حال آنکه با سواد هم از زبان سمعی و هم از زبان بصری استفاده می‌کند، یعنی خود را از مرحله شفاهی زبان به مرحله کتبی زبان انتقال داده است. اگر می‌شنویم که گروهی سوداگر آگهی می‌کنند که با روشی اعجاب‌انگیز

۲ - معنی هر کلمه از ذهنتان می‌گذرد، چون معنی آن کلمه را پیش از آن می‌دانسته‌اید.

۳ - از مجموعه معانی کلمه‌هایی که خوانده‌اید یعنی تازه‌ای از ذهنتان می‌گذرد، چون تجربه‌ها

قادرند در بیست جلسه یسواد را باسواد کنند، به این نکته باید توجه داشته باشیم که کارشان از مرحله آموزش فن شناخت خط تجاوز نمی کند. هر یسواد بزرگسالی، اگر زبان سمعی را بداند و دانش پایه او به میزانی باشد که از آنچه می خواند پیام نویسنده را درک کند، کافی است که فقط بتواند از مرحله شفاهی زبان به مرحله کتبی زبان انتقال یابد تا از آنچه می خواند به معنی و مفهوم نوشته پی ببرد. ولی برای کودک یا بزرگسالی که زبان سمعی آن نوشته را نمی داند و دانش مقدماتی درباره آنچه می خواند ندارد، هرگز چنین معجزه ای رخ نخواهد داد. برای چنین یسوادانی، حتی اگر زبان سمعی نوشته را بدانند، دست کم ۲۰۰ تا ۴۰۰ ساعت وقت لازم است تا با روشی درست و حساب شده، آن هم به گونه ای مستمر و با تمرین و تکرار بسیار، بتوانند خود را از مرحله شفاهی زبان به مرحله کتبی زبان انتقال دهند.

بعضی از مادران و پدران علاقه مندند که کودکان زودتر از معمول خواندن را فرا گیرند، به این قصد در سنین پیش از مدرسه آنها را وادار به خواندن می کنند، یا در همان نخستین روزهایی که کودک را به دبستان فرستاده اند، از او می پرسند: «می توانی الفبا را از اول تا آخر بگویی؟»، «کتاب اول را گرفتی؟»، «می توانی آن را بخوانی؟» و سؤالی از این قبیل. این گونه مادران و پدران انتظار دارند که کودکان به این سؤالیها جواب مثبت بدهد. همین که کودک به سؤالیهایشان جواب منفی می دهد، دلسرد می شوند و اگر از اصول تعلیم و تربیت

خیلی بیخبر باشند، به سرزنش کودکان می پردازند و از روش کار معلم و مدرسه اظهار نگرانی و نارضایتی می کنند.

روش آموختن و خواندن با سالها پیش که در کلاس اول دبستان تحصیل می کردیم تفاوت بسیار کرده است. امروزه دیگر تعلیم خواندن نوشتن را از همان نخستین روز درس آغاز نمی کنند. برای خواندن و نوشتن ابتدا همه شکل های حروف الفبا را نمی آموزند. دست کم یک ماه از آغاز سال تحصیلی در کلاس اول به دوره آمادگی اختصاص داده می شود. در این دوره آموزگار کوشش می کند تا کودک را با دنیای تازه او، یعنی محیط مدرسه و کلاس و شاگردان و کارکنان مدرسه، آشنا کند. به او رمز گفتاری زبان را، با توجه به کلمه هایی که به تدریج خواندن و نوشتن آنها را در کتاب خواهد آموخت، یاد می دهد. تلفظ صحیح کلمه ها و تشخیص بجاهای هر کلمه را به او می آموزند و بسیاری نکته های دقیق فنی دیگر که ممکن است به سبب اینکه در جریان پیشرفت و تغییر روش آموختن خواندن و نوشتن نبوده ایم، از آن بیخبر مانده ایم.

این دوره آمادگی برای کودکی که می خواهد خواندن و نوشتن را درست یاد بگیرد ضرورت دارد. آمادگی برای شنیدن، گفتن، خواندن و بعد نوشتن و دنبال کردن و پذیرفتن راهنماییهای خانه و مدرسه این دوره آمادگی یکماهه فقط برای آن گروه کودکان می تواند کافی و مؤثر باشد که از پیشگامان

با زبان سمعی فارسی آشنایی کامل داشته باشند و دانش پایه و مهارت‌های لازم را متناسب با سن و نیاز خود در خانه و کودکستان فرا گرفته باشند. بیگمان برای کودکانی که چنین امکانات و شرایطی برایشان فراهم نبوده است، و از سه سالگی تا شش سالگی نیز در مهد کودک و کودکستان دوره آمادگی زبان سمعی را نگذرانده‌اند، زمانی بس درازتر لازم است تا برای خواندن و نوشتن آمادگی یابند.

در کلاس اول دبستان، پس از دوره آمادگی، در خواندن و نوشتن کلمه در عبارتها و جمله‌های کوتاه آغاز می‌شود و تا پایان اسفندماه به طول انجامد تا کودک بتواند، با روش صحیح بی‌بردن از معلوم به مجهول، همه حروف الفبا و شکل صداها را در قالب کلمه‌ها و عبارتها و جمله‌های بسیار ساده بشناسد و بخواند. در واقع باید گفت که کودک خواندن را، به آن معنی که ما انتظار داریم، از اواخر سال تحصیلی، یا بهتر بگوییم، از کلاس دوم آغاز می‌کند.

و استعداد ایشان نیز با یکدیگر تفاوت دارد. اگر می‌پذیریم که رعایت بهداشت و تغذیه صحیح و بازی و ورزش و تفریح و استراحت کافی موجبات تسریع در رشد بدنی کودک را فراهم می‌کند، همچنین باید بپذیریم که برای رشد فکری کودک نیز باید در خانه و در مهد کودک و در کودکستان، و حتی سالها پس از آن، شرایط و امکانات مناسب فراهم کنیم. کودک باید بسیاری از مهارتها و دانستنیهای لازم را در خانه و کودکستان، به کمک بزرگترها و نزدیکان و مربیان خویش، تا پیش از سن مدرسه فراگیرد. از این جمله‌اند: استفاده از حواس، شنیدن، گفتن، راه رفتن، دویدن، لیز خوردن، به کار گرفتن دستها، غذا خوردن، لباس پوشیدن، رعایت بهداشت، سازش با دیگران، شناختن حق و مالکیت، دوستی، مسئولیت، همکاری، و بسیاری از آگاهیهای مقدماتی درباره شردن، جمع و تفریق ساده ذهنی، اندازه گیری، آب و هوا، گیاهان، جانوران و خیلی چیزهای

دیگر و مباحثات فزاینده

رتال جامع علوم اهنگامی که به کودک کمک می‌کنیم تا مهارتها و دانستنیهای لازم را در فرصتهایی که برایش در خانه و کودکستان پیش می‌آوریم، متناسب با سن خود بیاموزد، در حقیقت به او، گذشته از راه زندگی کردن، مقدمات خواندن را نیز آموخته‌ایم. هرچه این مقدمات دیرتر به کودک آموخته شوند، آمادگی او برای خواندن نیز به تعویق می‌افتد. گاهی در عمل با کودکانی رو به‌رو می‌شویم که یکی دو سال از کودکان همسال خود در خواندن عقب هستند. قسمت عمده این عقبماندگی مربوط به تجربه‌های

کودکان معمولاً با یک جدول مخصوص و در زمانهای مشخص توانایی خواندن پیدا نمی‌کنند. یعنی از آنها در کلاس اول دبستان شروع به خواندن می‌کنند و بعضی دیگر یکی دو سال بعد، بعضی از آنها هم، به سبب شرایط مساعد و خاصی که خانواده یا مهد کودک و کودکستان برایشان فراهم کرده است، هم به سبب رشد فکری و استعداد خاص خود، پیش از سن مدرسه آغاز به خواندن می‌کنند. همان گونه که رشد بدنی کودکان متفاوت است، رشد فکری

لازمی است که کودکان می‌بایست پیش از سن مدرسه در خانه یا کودکستان اندوخته باشند.

مسلماً کودکانی که در خانه با آنها کم‌حرف زده‌اند، برایشان قصه و داستان نگفته‌اند یا نخوانده‌اند، فرصت نیافته‌اند که هرچه بیشتر با بزرگترها در خانه گفت‌وگو داشته باشند، به آنها مجال داده نشده‌است که بپرسند و کنجکاو باشند، کتاب و مجله‌ای خاص سن آنان در اختیارشان گذاشته نشده‌است و بزرگترها برایشان کتاب و مجله نخوانده‌اند، به کودکان نرفته‌اند و آنچه را که متناسب سن و نیازشان بوده‌است به موقع نیاموخته‌اند، تعجب آور نیست که از همسالان خود، که از همه این شرایط و امکانات مطلوب رشد فکری در خانه و کودکستان برخوردار بوده‌اند، از لحاظ خواندن عقب مانده باشند.

آمادگی برای خواندن، محور همه فعالیتها

گفتیم که کودک مقدمات خواندن را به‌طور رسمی در کلاس اول دبستان یاد می‌گیرد. فارسی و سرعت این یادگیری با اینکه به‌روش آموزگار و چگونگی کتابهای درسی و وسایل کمک آموزشی بستگی دارد، بر پایه‌هایی استوار می‌شود که پدر و مادر و تربیتکار کودک یا مربی کودکستان بنا کرده‌اند.

وقتی که شما در خانه یا کودکستان با کودک بازی می‌کنید و با او حرف می‌زنید، ممکن است هرگز به این فکر نباشید که اندیشه و ذهن کودک را برای خواندن آماده می‌کنید. کودک به‌هنگام

بازی و گفتگو با شما بسیاری چیزها را، که خواندن اثر فراوان دارند، می‌آموزد. صدایش با صدای شما تطبیق می‌دهد و برای خود آزمون می‌کند. کلمه‌ها و جمله‌هایی را که می‌گویید می‌شنود و هر روز کلمه‌ها و جمله‌های بیشتری یاد می‌گیرد. گاه گاه آنچه را از شما شنیده‌است تکرار می‌کند و اثر درستی بیان خود را در نگاه و بیان جستجو می‌کند. وقتی که دستهایش را از شوق به می‌کوبد، چیزی می‌گوید، می‌خندد و یا غمگین می‌شود، در حقیقت احساسات و عواطف خود نسبت به آنچه از شما شنیده‌است بیان می‌کند.

اگر شما از آماده کردن کودک برای خواندن احساس خستگی کنید و برنامه‌های منظم برای خواندن برای او و حرف زدن و بازی کردن با او نداشته باشید، نباید متوقع باشید که او در کلاس اول دبستان خواندن را به آسانی یاد بگیرد و بعدها نیز در مطالعه و سود بردن از کتاب و نوشته‌های دیگر پیشرفتی قابل ملاحظه و مطلوب داشته‌باشد. کودک است که در بزرگی در شمار مطالعه‌کنندگان خوب و قرار می‌گیرد بیشتر آنها بی هستند که خوب یاد کردن، خوب گوش کردن و خوب حرف زدن در کودکی آموخته‌اند. چنین کودکانی دور پیش از مدرسه را در خانه یا کودکستانها گذرانده‌اند که محور همه فعالیتهای مربیان آنها آماده کردن کودک برای خواندن بوده‌است. فعالیتهایی به‌هیچ وسیله گرافیکی و به‌تخصیص ویژه‌ای نیاز ندارد. گفت‌وگوهای پدر و مادر و مربی کودکستان با کودک، بازیها و بازیچه‌های کودک

آنچه در دور و بر کودک وجود دارد، آنچه در خانه و کودکان می گذرد، گردشهای کودک در بیرون از خانه و کودکان، رفت و آمدهای خانوادگی و مانند آن، اگر درست و حساب شده برنامه ریزی شده باشد، می تواند بهترین وسیله این آموزش و آمادگی باشد. چند کتاب مصور، عکسها و نقاشیهایی که از مجله ها می توانیم ببریم و روی کاغذ یا مقوایی چسبانیم، چند کتاب قصه و داستان علمی و بازی و کار دستی و سرگرمیهای آموزنده و مجله های خاصی که برای این سن نوشته شده باشند و آنها را برای کودک بلندبلند بخوانیم، اسباب بازیهای معمولی که بتوان از آنها برای آموزش نکته ای خاص، کودک استفاده کرد، مدادهای رنگی و کاغذ بهترین ابزارهایی هستند که برای آماده کردن کودک برای خواندن می توانند به کار بروند. مهمترین اصل این است که از هر وسیله یا روش متناسب با میزان فهم و درک و نیاز کودک در آن گروه سنی استفاده کنیم. باید هر فعالیتی در این زمینه با توجه به آمادگیهای قبلی کودک باشد. برای همین است که پدر و مادر یا مربی کودکان باید پی در پی رشد کودک را ارزشیابی کنند، دلبستگیها، مهارتها و دانش پایه او را در آن زمینه اندازه بگیرند تا دریابند که کودک در هر زمانی قادر به انجام دادن با کیفیت آمیز چه نوع کاری است و چه نوع آموزشی را باید در مرحله بعد، با چه روشی و با چه وسیله ای، دنبال کند.

کودک و کودکانها، به آسانی می توانند به کار برند:

۱ - برای کودک لالایی و شعر بخوانیم. کودک

از هشت نه ماهگی به شنیدن لالایی و شعرهای آهنگین، که مادر یا نزدیکان او برایش می خوانند، علاقه نشان می دهد. خواندن لالایی و شعر برای کودک، گذشته از اینکه سبب می شود که کودک از خردسالی به لذت بردن از کلام منظوم علاقه مند شود، به او شنیدن و گوش کردن می آموزد.

۲ - حرف زدن با کودک را از همان آغاز

کودکی شروع کنیم. ابتدا ممکن است به این نتیجه برسید که همه اش خودتان حرف زده اید و چیزی از او نشنیده اید. اما لبخندها، نگاهها، خنده ها و صداهای غیر مفهومی او نشان می دهد که او هم با شما حرف می زند. حرف زدن با کودک سبب می شود که کودک، از راه شنیدن، زبان سمعی را

کلیوم انجمن علوم انسانی
موسسه تخصصی تربیتی

هفتون در ایران درباره زبان پایه گفتاری

و نوشتاری گروههای سنی کودکان و نوجوانان پژوهشی علمی نشده است تا نشان دهد که کودکان و نوجوانان، در هر گروه سنی، به چند واژه و چه واژه هایی نیاز دارند تا در گفت و شنود یا خواندن و نوشتن، با استفاده از آنها، تفهیم و تفاهم کنند. اگر چنین پژوهشی، که کاری است بس دقیق و فنی، انجام می شد، از یک سو پدر و مادر و مربی درمی یافتند که در گفت و شنود خود با کودکان، در هر گروه سنی، چه واژه هایی باید به کار برند و چگونه آنها را

پیشنهادهای زیر نمونه هایی هستند که پدران و مادران در خانه، و بعضی از آنها را مربیان در مهد

به کار برند تا به تدریج بر دامنه واژه‌های مورد نیاز کودکان بیفزایند. از سوی دیگر راهنمایی می‌شد برای نویسنده‌گانی که برای کودکان و نوجوانان کتابهای درسی و کتابها و مجله‌های گوناگون می‌نویسند تا پیام خود را در قالب واژه‌هایی به کار برند که فهم و درک آن متناسب با هر گروه سنی باشد.

۳ - بگذاریم کودکان با صداها بازی کنند و صداها را تکرار کنند. کودکان عاشق بازی با صداها هستند. صدای جانوران، صدای ریزش آب و باران، صدای وسایل نقلیه و بسیاری از صداهای دیگر را تقلید می‌کنند. حتی برای بیان بعضی از مقاصد خود صداهای تازه‌ای خلق می‌کنند. گاهی زنجیری از کلمه‌ها درست می‌کنند که یکی از دیگری به وجود آمده است و این کلمه‌ها برای دیگران معنی و مفهومی ندارد. اینها نشان دهنده آن است که کودکان بازی با صداها را دوست دارند. کودکان با بد زبان آوردن این صداها و کلمه‌هایی که خود ساخته‌اند و عکس‌العملی که دیگران از شنیدن آنها نشان می‌دهند، با گوشهای قوی و قدرت تشخیص خود، به تدریج درمی‌یابند که کدام صداها و کلمه‌ها به کار می‌آیند و بیان‌کننده فکر یا احساسی هستند و کدام صداها و کلمه‌ها به کار نمی‌آیند. همین بازی با صداها به کودک کمک می‌کند که ابتدا به حرف آید و به تدریج ارزش صداها و کلمه‌ها را بشناسد و درست حرف زدن را، که یکی از پایه‌های خواندن است، بیاموزد.

کودکان عاشق تکرار صداها هستند. شعرها

و نثرهای موزون، که برگردان دارند، بیشتر مورد علاقه کودکان است. حتی اگر کودک حرف زدن آغاز نکرده باشد و این گونه شعرها و نثرهای کوتاه و موزون را بشنود، هنگامی که شروع به حرف زدن کرد، همین تکرارها را بد زبان می‌آورد.

۴ - کودکان را برانگیزیم تا با ما گفتگو کنند. کودک از گفت و شنود با شما هزاران نکته می‌آموزد و شما از راه شنیدن حرفهای او بهره یا عقماندگی فکریش بهتر پی‌می‌برید. اگر کودک احساس کند که شما علاقه‌مند به حرف زدن با او هستید و با حوصله و دقت به حرفهایش گوش می‌دهید و به سؤالاتها و کنجکاویتهاش جواب می‌دهید، یک اثر بر سر وجود او می‌ماند. عکس‌العمل شما در برابر سؤالاتها و کنجکاویتهاش ممکن است در روح کودک به آن اندازه مؤثر باشد که اثر آن برای همه باقی بماند. اگر علاقه‌ای به شنیدن حرفهایش نداشته‌اید و در گفت و شنود با او و جواب دادن به سؤالاتها و کنجکاویتهاش بیحوصله و خشمگین باشید، ما است کودک به این نتیجه برسد که سؤال کردن و کنجکاو بودن کاری است بد و دیگر هرگز آن دنبال نکند.

بیشتر بازیهای شما با کودک باید از آن گونه بازیهایی باشد که به حرف زدن و گفت و شنود نیاز دارد. باید هر چه بیشتر برایش شعرها و قصه و داستانهای مخصوص کودکان را بگویید یا بخوانید. اگر شعر و قصه و داستانی از زمان کودکی بخوانید یا بخوانید، یا آنها را مناسب روحیه کودک

زمان نمی‌دانید، می‌توانید از مجله‌ها یا کتابهایی که خاص این گروه از کودکان و با توجه به کلیه اصول آموزش و پرورش نوشته شده‌اند استفاده کنید. از این راه به کودک کمک کرده‌اید که موضوعی برای حرف زدن با شما بیابد و شما فرصتی مناسب به دست می‌آورید که به او چیزی بیاموزید.

کودکان دوست دارند زیاد حرف بزنند. یک کودک چهارساله ممکن است بدون خستگی مدت‌ها پشت سرهم حرف بزند. حتی برای او مهم نیست که شنونده‌ای داشته باشد یا نه. با همه‌کس و با همه چیز حرف می‌زند، حتی با گربه‌خانه و اسباب‌بازیهایش؛ و گاهی هم با خودش حرف می‌زند. اگر شنوندهٔ مهربانی از میان بزرگترها پیدا کند، آن قدر حرف می‌زند و سؤالهایش را تکرار می‌کند که بزرگترها را خسته می‌کند. معمولاً «چرا؟» برای او راه و دریچه‌ای است به سوی گفتگوی دوستانه با دیگران.

وقتی که ما، خواهر مادر و پدر و خواهر مری کودکستان و آموزگار، به اهمیت گفت و شنود با کودک بی بردیم، نقی خود را در رشد فکری کودک یافته‌ایم. آن وقت با مهربانی و حوصلهٔ بسیار به سخنهاي کودکانه‌اش گوش خواهیم داد. به او جرأت و فرصت خواهیم داد تا آزادانه از کارهایی که کرده است و دربارهٔ آنچه می‌خواهد، حرف بزند. خودمان را بر سطح او قرار می‌دهیم و از او دربارهٔ کارهایی که کرده است و چیزهایی که دیده است سؤال می‌کنیم تا بدانند که علاقه‌مند به شنیدن حرفهای او هستیم.

کودکی که فقط در خانه یا کودکستان دیده شود، ولی نگوید و نشنود، یعنی با او حرف نزنند و به حرفهایش گوش ندهند، معمولاً در خواندن و مطالعه کردن در شمار عقب‌افتادگان قرار می‌گیرد. گاهی دیده شده است که بعضی از کودکان دوقلو در صحبت کردن و خواندن و مطالعه کردن عقب‌افتاده و ضعیف و کند هستند. علت این ضعف و عقب‌افتادگی این است که دوقلوها بیشتر وقتشان را در کودکی بایکدیگر می‌گذرانند و رابطهٔ بیان افکار و عقایدشان بایکدیگر محدود به همان کلمه‌هایی است که می‌دانند و بارها برای هم می‌گویند.

در حرف زدن با کودک کلمه را باید درست تلفظ کنیم و درست به کار ببریم. گاهی کودکان بعضی از کلمه‌ها را به غلط تلفظ می‌کنند، مثلاً «قتل» را «قلف»، «کفش» را «کش»، «سرفه» را «سلفه» و ... می‌گویند.

کودکان مقلدهای عجیبی هستند. اگر پدر و مادر نزدیکان و مریبی و آموزگار کودک، از همان آغاز کودکی، با او درست و شمرده حرف بزنند، کودک هم به تقلید از آنها عادت خواهد کرد که همیشه درست حرف بزند.

باید توجه داشت که گاهی کودک به این سبب «بچگانه» و غلط، یا به اصطلاح «نوک زبانی» حرف می‌زند که به تجربه دریافته است که پدر و مادر یا نزدیکان و مریبان او از این‌طور حرف زدن او لذت می‌برند و می‌خندند.

پروژه کاغذ علوم انسانی و مطالعات تربیتی

در بیان و زبانی - صفحه ۲۱

به کودکان، از همان آغاز سخن گفتن، باید یاد بدهیم که کلمه‌ها را درست تلفظ کنند. اگر بگذاریم به‌غلط حرف زدن عادت کنند، بعدها که این کلمه‌ها را در کتاب یا مجله‌ای می‌بینند نمی‌توانند آنها را به‌آسانی بخوانند و معانی آنها را دریابند.

۵ - بگذاریم کودکان از رادیو، تلویزیون و فیلم استفاده کنند. شنیدن برنامه‌های رادیو و دیدن برنامه‌های تلویزیون و فیلمهای سینمایی، گذشته از اینکه دانش کودکان را در موضوعهای قابل درک ایشان گسترش می‌دهد - و این یکی از پایه‌های اصلی خواندن و مطالعه کردن است - به آنان کمک می‌کند که روز به‌روز کلمه‌ها و جمله‌های بیشتری را با تلفظ صحیح، از راه حافظه سمعی و بصری خود، یاد بگیرند. همچنین سبب می‌شود که بیشتر کنجکاو باشند، بیشتر سؤال کنند و در طلب دانستن برآیند. حتی گاه می‌بینیم که کودک، بدون اینکه فن‌شناخت خط را بداند، نوشته‌ای را بر صفحه تلویزیون نشان می‌دهد و آن را می‌خواند. نوشته‌های بعضی از آگهیهای تجاری و «آرم» برنامه‌های تلویزیون، به این سبب که بارها تکرار می‌شوند و در بخش آنها، همراه با گفتار موسیقی، عوامل دیگری نیز به‌کار می‌رود تا نظر بیننده و شنونده بیشتر به آنها جلب شود، اثر فوق‌العاده‌ای در کودک می‌گذارند. هنگامی که بزرگترها این نوشته‌ها را برای کودک یاد در حضور او بلند بلند می‌خوانند، باعث می‌شوند که کودک آنها را بشناسد و بخواند. به همین ترتیب است بعضی از تصنیفها و ترانه‌ها یا شعرگونه‌هایی که در برنامه‌های موسیقی یا آگهیهای تجاری پخش می‌شود. اغلب

می‌شنویم که کودک با شروع آهنگ آنها را می‌خواند یا تقلید می‌کند.

شک نیست که استفاده از این وسایل سمع و بصری برای کودکان باید تابع شرایط و محدودیت و حسن انتخاب باشد. نباید فقط به این سبب که دارای فوایدی برای کودک هستند در استفاده از آنها زیاده‌روی کرد. از اثرهای زیانبخش بعضی برنامه‌ها و فیلمها، حتی ترانه‌ها و تصنیفها و آگهیها، تجاری بدآموز، و آشفتگی فکر کودکان در فرم موضوعها و گفتارهای سنگین و نامناسب نباید غافل بود. رادیو و تلویزیون دارای برنامه‌های خام برای گروههای سنی کودکان و نوجوانان است. برای کودکان باید فرصت و امکاناتی فراهم آورد تا از این برنامه‌ها، که خاص آنها تهیه شده است سود ببرند.

۶ - بگذاریم کودکان کنجکاو بار آیند کودکان از چهار پنج سالگی آماده‌اند ناشناخته‌ها محیط زندگی خود را بشناسند. دوست دارند که هر چه تازه را که می‌بینند لمس کنند و از آن سر در بیاورند. ممکن است میخی بردارند و آن را در سوراخ برق فرو کنند. ممکن است تریچه‌هایی را که تا در باغچه کاشته‌اید از ریشه بیرون بیاورند، ممکن است در هر شیشه دارو یا قوطی را بردارند، محتوی آن را بچشند یا بینشان را در آن فرو ببرند. کودکان در ابراز علاقه به کشف ناشناخته‌ها حد و سر نمی‌شناسند. از زیانهایی که به‌بار می‌آورند در خطرهایی که این کنجکاوها ممکن است برای جانها

دانه باشد آگاه نیستند.

کودک از این راه به کنجکاو بهایش جواب بدهد و بر تجربه و معلوماتش می افزاید و افق دید خود را در دنیایی که او را احاطه کرده است وسعت می بخشد. اگر نگران جان او هستیم، باید آنچه را برایش زیان آور است از دسترش دور نگه داریم و اگر نگران روح و فکر او هستیم، باید به او کمک کنیم تا ناشناخته ها را بشناسد و این جز از راه مشاهده و تجربه و پرسیدن و جواب درست شنیدن بسر نیست.

کنجکاو باز آوردن کودک و جواب درست و مناسب دادن به پرسشهای او راه جستجو کردن و دانستن را به کودک می آموزد. اگر او را گاه گاه همراه خود به گردش ببریم، در خرید کردن و به بهمانی رفتن و از مهمان پذیرایی کردن و کشت و کار و نگاهداری از حیوانات اهلی و کارهای خانه شریکش کنیم، و اگر به او اجازه بدهیم و فرصت و امکاناتی برایش فراهم کنیم که مجله و روزنامه و کتابی را ورق بزند، به رادیو گوش بدهد و برنامه مناسبی را از تلویزیون تماشا کند یا فیلم مناسبی را در سینما ببیند، پی در پی سؤال می کند. اگر درست و به موقع و با حوصله به سؤالهایش جواب بدهیم، روز به روز بیشتر یاد می گیرد و دانش و بینش و اندیشه اش بیشتر گسترش می یابد.

ممکن است سؤال شود که این گونه کنجکاو بهایش چه ارتباطی با خواندن و سود بردن از مطالعه دارد؟

در جواب باید گفت که خواندن و مطالعه کردن چیزی جز سود جستن از سرمایه های فکری و تجربی و معلومات قبلی نیست. میل طبیعی کودک به دانستن هر چه بیشتر و یافتن جواب پرسشهایش مایه ای برای سود جستن از خواندن می شود و کودک، وقتی که حروف و کلمه را شناخت، خواندن برایش معنی پیدا می کند. چنین کودکی، وقتی که به مدرسه رفت، به یاری معلومات وسیعی که اندوخته است، می تواند بهتر حرف بزند، بهتر فکر کند، بهتر بخواند و آنچه را می خواند دریابد و از آن سود و لذت ببرد. اگر کنجکاو بار آید و از سؤال کردن نترسد و پرهیز نکند، عادت می کند که همیشه به دنبال کشف چیزهای تازه و تجربه های تازه برود و ندانسته ها و ناشناخته ها را کشف کند.

اگر محیط تربیتی کودک در خانه و کودکستان و مدرسه سالم باشد، کنجکاو بهایش کودکانه کم کم به روح تحقیق و تازه جویی تبدیل می شود، و گاه از میان همین کودکان کسانی پیدا می شوند که تا آخرین دم زندگی مشتاق دانستن باقی می مانند. شك نیست که در به وجود آوردن چنین محیط تربیتی سالمی مادر و پدر و نزدیکان و مربیان و معلمان کودک نقشی بسیار مؤثر دارند. آنها نه تنها باید کودک را برانگیزند تا کنجکاو بار آید و درباره هر چه نمی داند پرس و جو کند، بلکه باید به موقع و درست به کنجکاو بهایش و پرس و جوهای او پاسخ بدهند، چنین مربی و معلم دلسوز و هوشیاری باید بداند که پاسخ کنجکاو بهایش و پرس و جوهای کودک را چگونه بدهد و به کتابهای دسترسی داشته باشد که پاسخی بعضی از پرسشها را

در این کتاب آمده است

که خود نمی‌داند از راه مراجعه به آن کتابها بیاید و به زبانی درخور فهم کودکان در اختیار آنان بگذارد. به همین سبب است که داشتن یک کتابخانه مرجع، یعنی مجموعه‌ای از فرهنگنامه‌ها، دایرةالمعارفها، کتابهای لغت، اطلسهای جغرافیایی و مانند آن، برای هر پدر و مادر و مربی و معلم در خانه و کودکستان و مدرسه ضروری است.

۷ - برای کودک کتاب و مجله بخوانیم. بلند خواندن کتاب یا مجله‌ای برای کودک، که خاص کودکان همان گروه سنی نوشته شده باشد، گذشته از اینکه بر دانش کودک می‌افزاید، او را به کتاب و مجله نیز علاقه‌مند می‌کند. حتی یک کودک خردسال از دیدن تصویرهای کتاب یا مجله خاص کودکان لذت می‌برد، بخصوص اگر در دامان پرمهر مادر نشسته باشد و درباره آنچه در کتاب یا مجله می‌بیند گفت و شنودی با مادر داشته باشد. اگر این کار ادامه یابد، کم‌کم خواهیم دید که کودک با شوق و ذوق کتاب یا مجله‌ای را برمی‌دارد و از پدر و مادر می‌خواهد که آنرا برایش بخوانند. کودک از این راه نوعی خواندن را نیز می‌آموزد، یعنی به بیان آنچه در عکسها و نقاشیهای کتاب یا مجله می‌بیند می‌پردازد و تصویر خوانی خود یکی از مراحل خواندن است.

کودک از دوازده یا چهارده ماهگی ممکن است به تصویرهای کتاب یا مجله‌ای که در دست شمامت نگاه کند. وقتی که یک سال و نیمه یا دوساله است ممکن است کتاب یا مجله‌ای را خودش بردارد

و ورق بزند و به تصویرهای آن نگاه کند. تقریباً از سه سالگی به داستانی که شما برایش از کتاب مجله‌ای می‌خوانید گوش می‌کند و لذت می‌برد. گاهی کودکان حتی در این سن داستانی را که شما برایشان خوانده‌اید آنقدر خوب به خاطر سپرده‌اند که اگر از شما بخواهند که بدون مراجعه به کتاب یا مجله داستان را برایشان تعریف کنید، به خوبی می‌توانند اشتباههای شما را در تعریف کردن و قرائت داستان تصحیح کنند و بگویند.

اگر کودک به مرحله‌ای برسد که بتواند بخواند و از مطالعه لذت ببرد، دیگر برای پدر و مادر و معلم جای نگرانی نیست. خودش برنامه‌ای برای مطالعه‌اش تنظیم خواهد کرد و به تدریج از مطالعه کردن لذت خواهد برد و به آن عادت خواهد کرد ولی برای رسیدن به این مرحله، کودک نیاز دارد که گذشته از فعالیتهای دیگری که برای زبان آموزی و گسترش دانش و بینش کودکان به آنها اشته کرده‌ایم، از سه‌سالگی تا دوازده سالگی بزرگتر در خانه و مربی و معلم در کودکستان و مدرسه برایش کتاب و مجله بخوانند. کودک در این سالها همین‌طور که بزرگتر می‌شود، زمان بیشتری به آنها می‌خوانید توجه خواهد کرد و کشف خواهد کرد کتابها و مجله‌ها می‌توانند شادبخش و آموزنده باشند. از این راه به دامنه فهرست کلمه‌هایی می‌داند خواهد افزود و با پرس و جوها و کنجکاویها و پاسخهایی که از شما می‌شوند بسیار نکته‌ها خواهد آموخت - و همه اینها اصول آماده کردن کودکان برای خواندن و سود بردن از مطالعه هستند.

بلند خوانی برای کودکان نیز باید برنامه‌ای منظم و حساب شده داشته باشد که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

* بلند خواندن کتاب یا مجله را از زمانی برای کودک آغاز کنید که او توانایی درک مطالبی را که برایش می‌خوانید داشته باشد.

* هرگز کودک را به زور وادار نکنید که مطلبی که برایش می‌خوانید گوش کند. باید ترتیبی علاقه‌آورا برانگیزید که خودش از شما خواهد که برایش کتاب یا مجله بخوانید.

* برای بلند خواندن کتاب و مجله برنامه منظمی داشته باشید. بعضی از پدران و مادران پیش از خواب بعد از ظهر یا شب را موقع مناسبی برای این کار می‌دانند. ولی خواندن کتاب یا مجله تنها برای این نیست که کودک را بخوابانیم، بلکه می‌خواهیم ذهن او را بیدار کنیم تا چیز تازه‌ای بیاموزد. داشتن یک برنامه منظم برای بلند خوانی اهمیت بسیار دارد، زیرا کودک باید به همان اندازه که در زمان معینی منتظر ناهار یا شام است، منتظر بلندخوانی هم باشد. مربیان کودکان و معلمان علاقه‌مند ساعت معینی از برنامه روزانه کلاس را به این کار اختصاص می‌دهند.

* ممکن است ساعت بلندخوانی را به این

ترتیب شروع کنید که ابتدا او از شما بخواند که قصه و داستان یا مطلبی را از کتاب یا مجله‌ای به انتخاب خودش برایش بخوانید. یا از شما بخواند که مطلبی را که قبلاً خوانده‌اید برایش دوباره بخوانید. در این مورد به میل او عمل کنید. بگذارید او از آشنایی قبلی خود با کتاب و مجله یا قصه و مطلبی خاص لذت ببرد. بعد داستان یا مطلبی تازه برایش بخوانید. به او فرصت بدهید که درباره آنچه برایش می‌خوانید حرف بزند، سؤال کند، و با کلمه‌ها و مطالبی که در آن متن آمده است بازی کند. ممکن است لازم باشد که چندبار مطلبی را برایش بخوانید تا عکس العملی در کودک درباره آنچه برایش خوانده‌اید ببینید. اگر چنین شد، خودتان را خسته و بی‌علاقه نشان ندهید. بگذارید برای مدت زمانی که کودک خودش می‌خواهد آن کتاب یا مجله محبوب او باشد.

* به هنگامی که می‌خواهید کتاب یا مجله‌ای را برای کودک بلند بخوانید، بگذارید کودک در جای راحتی که می‌خواهد بنشیند. کتاب یا مجله را خودش در دست بگیرد و به تصویرها و نوشته‌های آن نگاه کند. شما، همان‌طور که کتاب یا مجله در دست اوست، نوشته‌ها را برایش بخوانید. بگذارید خودش، با راهنمایی شما، کتاب یا مجله را ورق بزند. اگر در وسط کار احساس کردید که خسته شده است، کمی به او فرصت استراحت بدهید. او خودش در این زمان آزاد از دیدن تصویرها چیزهای تازه‌ای کشف خواهد کرد.

* شما همیشه موفق نخواهید شد که کودک

و کتاب یا مجله را با هم در یک جا جمع کنید. گاهی این شئونندگان کوچک آرام نمی گیرند و نظم برنامه بلند خوانی شما را بر هم می زنند. در این صورت، ممکن است کتاب یا مجله مناسب نباشد. ممکن است حالت و روحیه کودک یا زمان بلند خوانی مناسب نباشد. در این وقت بهتر است که خواندن را قطع کنید و به کودک فرصت بدهید تا مدتی با صفحه های کتاب یا مجله یا تصویرهای آن سرگرم شود. در هر صورت، کودک باید آزاد باشد. بگذارید زمانی به شنیدن آنچه برایش می خوانید بپردازد که بدین کار علاقه نشان دهد.

* برای کودکان فقط قصه و داستان بخوانید. کودکان نیاز دارند که از همان زمان کودکی دانش خود را در زمینه های گوناگون نیز گسترش دهند.

* برای بلند خواندن، کتاب یا مجله ای را انتخاب کنید که همه شرایط یک کتاب یا مجله خوب و مناسب برای کودکان در آن سن را دارا باشد. خواندن مطالب سنگین و نامناسب برای کودک ممکن است او را از کتاب یا مجله بیزار کند، یا اثری نامطلوب در شخصیت و عواطف و احساسات کودک بگذارد، یا مطالبی را به غلط در ذهن او جایگزین کند.

انتخاب کتاب یا مجله مناسب برای کودک،

بخصوص در سالیایی که کودک خود توانایی تشخیص کتاب یا مجله خوب از بد را ندارد، کاری از بسیاری دقیق و دشوار. بزرگترها هر یک ذوق و سلیقه خاص خود دارند، به نیازهای خودشان و پسند جان بیشتر از نیازها و خواست های کودکان توجه دارند. گاه ارزش زندگی و دلبستگی های فعلی کودک فدای پرورش او برای آینده ای دور و نامشخص می کنند. خوش آمدن یا بد آمدنشان از کتاب مجله ای که برای کودک مورد بررسی قرار می دهد اغلب بر اساس تجربه ها و خواست های خودشان است نه کودک. گاه نیز بدون توجه به توانایی های بدنی و اندیشه و تمایلات کودک کتاب یا مجله ای به صرف اینکه برای کودکان انتشار یافته است در اختیار او می گذارند یا برایش می خوانند. آن توجه ندارند که آنچه برای کودک می خوانند یا کودک می دهند که خود بخواند تا چه میزان پایه گذاری فکر و شخصیت او مؤثر است و تأثیر در سراسر زندگی او به جا می ماند. فراموش می کنند که برداشت کودک از کتاب یا هر خواننده دیگری با برداشت بزرگترها از این گونه خواننده متفاوت است. کودک آنچه را برایش می خوانیم خود می خواند باور می کند و فقط در دوره کودکی است که کتابها و مجله ها اثری عمیق در خواننده می گذارند ولی در بزرگی قدرت تأثیر این نوشت در خواننده به افکار و عقاید و تجارب او بستگی دارد. به همین سبب است که می گوئیم انتخاب کتاب یا مجله مناسب برای کودک کاری است دقیق و دشوار و باید توجه به این انتخاب باید همپایه کوششی باشد

برای بنای شخصیت و پرورش ذوق و اندیشهٔ کودک
نگار می‌بریم.

در چند سال اخیر که به همت کانون پرورش
فکری کودکان و نوجوانان جنبش در خور ستایشی
برای تأسیس کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان به عمل
آمده است کتابداران این کتابخانه‌ها، که دورهٔ
کارآموزی مخصوصی را گذرانده‌اند، می‌توانند
شاوران مطمئنی برای راهنمایی پدران و مادران
و مربیان کودکستانها و معلمان در انتخاب کتابهای
مناسب برای کودکان باشند. همچنین در صفحه‌های
آخر کتاب فارسی کلاسهای دوم تا پنجم دبستان
فهرستی از کتابهای مناسب برای کودکان چاپ شده
است که این فهرستها نیز می‌تواند مورد استفادهٔ
مربیان و معلمان در انتخاب کتاب برای کودکان
قرار گیرد. شورای کتاب کودک هم «فهرست کتابهای
مناسب برای کودکان و نوجوانان» را برای کودکان
و نوجوانان گروه سنی ۳ تا ۱۵ سال انتشار داده
است. از این گذشته، مرکز خدمات کتابداری، با
همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران و وزارت
آموزش و پرورش فهرست «کتابهای مناسب برای
کتابخانه‌های دبستانی، دبیرستانی و عمومی» را منتشر
کرده است.

مراجعه به این فهرستها می‌تواند راهنمای
مؤثری برای انتخاب کتاب مناسب برای کودکان
و نوجوانان باشد. ولی تنها با مراجعه به این فهرستها
باز روی عنوانهای چشمگیر و نگاهمی به نقاشیها
و تصویرهای رنگین و زیبا و کاغذ و چاپ و تجلید

ممتاز کتاب و گرانی بهای آن نباید اطمینان پیدا
کنید که کتابی مناسب برای کودکان انتخاب
کرده‌اید. هر کتاب یا مجله‌ای باید برای گروه خاصی
از کودکان نوشته شده باشد، نه فقط چاپ شده باشد.
باید نخست متن کتاب یا مجله را به دقت مطالعه کنید
تا پیش از آنکه آن کتاب یا مجله را برای کودک
بخوانید یا در اختیار او بگذارید تا خودش بخواند،
اطمینان پیدا کنید که مناسب آن کودک است. چنین
کتاب یا مجله‌ای باید دارای شرایطی باشد، که در
زیر به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

- قطع آن به اندازه‌ای بزرگ باشد که صفحه -
- آرایی از لحاظ بزرگی تصویرها و درشتی نوشته‌ها
و حاشیه‌های سفید لازم مناسب و شوق‌انگیز باشد.
- حروف چاپی درشت و واضح و متناسب با
توانایی خواندن کودک باشد.
- در هر صفحه به قدر کافی حاشیهٔ سفید داشته
باشد تا آرامش بخشی چشم به هنگام مطالعهٔ يك کودک
نوخوان باشد.
- طول سطرها، تا آنجا که ممکن است،
کوتاه باشد.
- برای کودکان نوخوان هر صفحه بیش از چند
سطر نوشته نداشته باشد.
- صفحه از لحاظ تصویر و نوشته شلوغ
نباشد.
- تصویرها ساده، شوق‌انگیز، رنگین و متناسب
با موضوع و آسان‌کنندهٔ خواندن و درک معنی
نوشته‌ها باشد.
- برای بیان مفاهیم، کلمه‌های ساده و آسان

در نوشته‌ها به‌کار رفته باشد و از لحاظ خواندن و درک معانی بر اساس کلمه‌هایی باشد که یقین داریم کودکان با آنها آشنایی دارند.

— جمله‌ها کوتاه باشد. (برای کودکان نوخوان حتی هر جمله بیش از ۴ - ۵ کلمه نباشد).
— برای کودکان نوخوان تا آنجا که ممکن است کلمه‌ها و جمله‌های موزون به‌کار برده شده باشد و به‌اندازه کافی این کلمه‌ها و جمله‌ها در متن تکرار شده باشد.

— نوشته از لحاظ نویسندگی زیبا، روان، ساده و گیرا باشد.

— غلط املایی و انشایی و چاپی در کتاب یا مجله دیده نشود.

— برای کودکان نوخوان زبان مجاوره‌ای مردم عوام و کلمه‌های شکسته شده به‌کار برده نشده باشد.

— کلیه اصول نقطه‌گذاری در نوشته‌ها رعایت شده باشد.

— اطلاعات غلط و نارسا به‌کودک داده نشده باشد.

— موضوع کتاب یا مقاله‌های مجله دور از ذهن کودک و بدآموز نباشد.

کتابهای پیک و مجله‌های پیک کودک، پیک نوآموز، پیک دانش آموز، پیک نوجوانان و پیک جوانان، که از ده سال پیش تاکنون به‌وسیله مرکز انتشارات آموزشی وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان کار افزارهای کمک آموزشی برای کودکان

کودستانی و دانش‌آموزان دبستانها و دوره‌راه تحصیلی و دبیرستانها انتشار می‌یابند، می‌نمونه‌های خوب و مطمئنی برای بلندخوانی یا کودکان و نوجوانان باشند. در این مجله‌ها اصول آموزش و پرورش و ساده‌نویسی و زبان آرا توجه شده است و هر دوره از آن می‌تواند مجموعه کتابی مناسب برای هر گروه سنی مجله‌های پیک نوآموز و پیک دانش‌آموز با استفاده از کلمه‌ها و ترکیب‌هایی نوشته می‌شود که دانش‌آموز در کتابهای درسی خود یا شماره‌های قبلی هر از این مجله‌ها خوانده‌اند و کلمه‌ها و ترکیب تازه‌ای که معنی آنها دور از ذهن کودکان نباشد

۸ — به‌کودک تندخوانی بیاموزیم. تندخوانی سرعت مطالعه است همراه با درک معنی و هر چیزی که می‌خوانیم. سرعت خواندن به مورد مطالعه بستگی دارد. هنوز در ایران در تندخوانی تحقیقی به‌عمل نیامده است تا بر اساس بتوانیم سرعت خواندن گروه‌های سنی گوناگون در سطوح سواد مختلف اندازه‌گیری کنیم. در کشورهای اروپایی و امریکایی به این رسیده‌اند که به‌طور متوسط بعضی از متنها را می‌توان با سرعت ۱۰۰ کلمه در دقیقه، و بعضی دیگر با سرعت ۲۰۰ کلمه در دقیقه خواند. در این مطالعه‌کنندگان ماهری هم هستند، که با حذف کلمه‌های زائد به‌هنگام مطالعه، بعضی از متنها را سرعتی در حدود ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ کلمه در دقیقه می‌خوانند و معنی متنی را که خوانده‌اند در می‌یابند و بازگو می‌کنند.

به تجربه ثابت شده است که اگر راه درست مطالعه کردن و تندخوانی را به کودکان یاد بدهیم و آنان را به تمرین و تکرار منظم و حساب شده برانگیزیم، در جوانی به حد متوسطی از تندخوانی خواهند رسید.

بسیاری از دانش‌آموختگان را می‌بینیم که نگراند که تنگی وقت به آنان مجال نمی‌دهد کتابها و مجله‌ها و خواندنیهای فراوانی را که در دست‌رسان است در زمانی محدود و معین بخوانند و از اینکه چنین فرصتهایی را از دست می‌دهند متأسف هستند.

پیشنادهای زیر می‌تواند راهنمایی برای آموزش تندخوانی در خانه و کودکان باشد و در سراسر سالهای تحصیل، از دبستان تا دانشگاه، دنبال شود:

✽ پدر و مادر و مربیان مهد کودک و کودکانها و آموزگاران دبستانها به آسانی می‌توانند، با استفاده از کارتهای سرعت یا تندخوانی، خواندن شکل کلی کلمه را با یک نگاه به کودکان بیاموزند. نیازی نیست که کودک به کلاس اول دبستان رفته باشد و شکلهای الفبای فارسی و صداها را از راه بخش کردن کلمه و شناختن هجاها یاد گرفته باشد تا بتواند کلمه‌ای را بخواند. به تجربه ثابت شده است که کودکان، پیش از آنکه به دبستان بروند از دو سالگی قدرت تشخیص شکلها را دارند. یعنی همان‌گونه که نشانه‌ها و شکلها را می‌شناسند، می‌توانند شکل کلی کلمه‌ها را هم، پیش از آنکه حروف تشکیل‌دهنده آنها را بدانند بیاموزیم و با نوشتن آنها آشنایی پیدا کنند، بشناسند و با یک نگاه بخوانند. مثلاً کودک همان‌گونه که می‌تواند با دیدن شکل قیچی، کلمه قیچی را به زبان بیاورد، اگر با تمرین و تکرار خواندن کلمه قیچی را به او بیاموزیم، با دیدن شکل کلی کلمه قیچی هم کلمه قیچی را

با اینکه روش آموختن خواندن در کشور ما با سالها پیش که ما در کلاس اول دبستان تحصیل می‌کردیم تفاوت بسیار کرده است، ولی توجهی به آموزش خواندن، به صورت یک مهارت یا فن، نشده است. هنوز به تصویر خوانی، نگاهخوانی (صامتخوانی) و تندخوانی توجهی نمی‌شود و این مهارتها را از کودکی در خانه و کودکان دبستان و پس از آن در دبستان و دانشگاه به کودکان و دانش‌آموزان و دانشجویان نمی‌آموزیم. به همین سبب است که به تنها کتابهای درسی با توجه به لزوم آموزش این مهارت تهیه نمی‌شوند، بلکه ناشران آزاد نیز کتابها و مجله‌های خاصی در این زمینه انتشار نمی‌دهند.

به ندرت می‌توان درسی از دروس دوره تحصیل راه، از دبستان تا دانشگاه، یافت که اساس بی‌شرف شاگرد بر خواندن مطالب مربوط به آن درس استوار نباشد. همچنین به ندرت می‌توان دانش‌آموز یا دانشجویی را یافت که از پر حجمی کتابهای درسی خود گله و شکایت نداشته باشد، زیرا بیشتر دانش‌آموزان و دانشجویان ما کندخوان هستند و ناگزیر به حجم کتاب توجهی خشمگین دارند. از سوی دیگر،

بر زبان خواهد آورد. اگر با این روش شکل کلی بعضی از کلمه‌ها را به کودک بیاموزیم، کودک به هنگامی که خواندن را در کلاس اول دبستان آغاز می‌کند، دیگر نیازی ندارد که روی حروف تشکیل‌دهنده این کلمه‌ها مکث کند و از این راه این کلمه‌ها را بخواند. با یک نگاه کلمه‌های آشنا را بازشناسی و تندخوانی می‌کند.

تهیه کردن کارت سرعت یا تندخوانی هم کاری است بسیار آسان. می‌توان شکل چیزهایی را که کودک می‌شناسد از مجله یا روزنامه چید و هر یک را بر صفحه کاغذ یا مقوایی چسباند. بعد نام آن شکل را، با خطی مشابه خط‌نوشته‌های کتاب فارسی کلاس اول دبستان، خوانا و درشت، در کنار آن شکل نوشت. نشان دادن این شکل و این نوشته به کودک و تکرار آن و تمرین فراوان به کودک توانایی تشخیص خواهد داد که آن کلمه را، اگر در کنار شکل هم نباشد، بشناسد و با یک نگاه بخواند. برای این کار باید همین کلمه را هم یک بار، روی کاغذ یا مقوایی دیگر و با همان روش، بنویسیم و گاه‌گاه نیز از کودک بخواهیم که نوشته بدون تصویر را بخواند. با استفاده از همین روش می‌توانیم کم‌کم جمله‌های کوتاهی را که کودک می‌گوید بر روی کارتها یا صفحه کاغذهایی، که هر یک فقط دارای یک کلمه باشد، بنویسیم و جمله‌خوانی را هم با روش تندخوانی به کودک یاد بدهیم.

* تمرین تندخوانی را باید با کلمه‌هایی آغاز

کنیم که کودک تلفظ و معنی آنها را می‌داند و گفت‌وشنود خود بیشتر از آنها استفاده می‌کند.

* در تمرین جمله‌خوانی هم باید از جمله‌های کوتاه و ساده‌ای استفاده کنیم که هر یک بیش از چهار پنج کلمه نداشته باشد و معنی هر یک از کلمه‌های آن را کودک از پیش بداند.

* باید به کودک عادت بدهیم که با دید وسیع‌تری گروهی از کلمه‌های یک جمله ببیند و کوشش کند که همه جمله یا قسمتی از آن را یکجا ببیند و بخواند. با چنین تمرینی می‌توان به تدریج مهارت در خواندن، یعنی تندخوانی، به کودکان و نوجوانان بیاموزیم. زیرا چشم، در هنگام خواندن، به صورت خطی مستقیم و پیوسته روی کلمه حرکت نمی‌کند، بلکه حرکت آن در روی هر خط از نوشته از لحظات متوالی مکث و جهش تشکیل شده است. لحظه‌ای توقف می‌کند، سپس با سر به‌جپ یا به راست (بسته به نوع خط) جهش می‌کند و دوباره مکث می‌کند. چشم فقط وقتی که می‌کند می‌تواند ببیند و در زمانی که در حال جهش است قدرت بینایی ندارد. چشم در حدود ۹۰٪ زمان را که صرف خواندن می‌کند در حال مکث است. مهارت در خواندن را، اگر به درجاتی تقسیم کنیم چشم یک خواننده ماهر، در خواندن یک سطر معیار کتاب، ۳ تا ۴ بار مکث می‌کند، یک خواننده نیمه ماهر ۷ تا ۸ بار و یک خواننده ناتوان ۱۱ تا ۱۲

* متنهایی که در آنها نشانه‌ها و نقطه‌گذاریها درست به کار برده شده باشند، به شرط آنکه کودک از کاربردهای این نشانه‌ها آگاه باشد، در تندخوانی تأثیر بسیار دارد.

* کوتاه بودن طول خطها، به اندازه بودن فاصله سطرها، و حاشیه سفید دور صفحه تندخوانی را آسانتر می‌کند.

سخن آخر

در جهان امروز دیگر نمی‌توان مطالعه را کاری تفریحی و فقط برای تفریح خاطر و گذراندن اوقات بیکاری دانست. مشاغل به سرعت افزایش می‌یابند و کارهای حرفه‌ای و فنی و صنعتی رو به کمال می‌روند. در جامعه فردا، هیچ مهارتی برای بشر پر ارزشتر از مهارت در خواندن نخواهد بود. در آن زمان کسی که نتواند به سرعت و دقت مطالعه کند و علاقه‌مند به مطالعه خواندنیهای غیرتفنی و جدی، یعنی مطالب علمی و فنی و حرفه‌ای، نباشد، در کار و زندگی خود مواجه با شکست خواهد بود.

کسی که عادت به مطالعه دارد و در این امر به حد کافی مهارت یافته است، راهی مستقیم و روشن در پیش دارد. او به آسانی و سرعت می‌تواند اطلاعات

مکث می‌کند. مطالعات آزمایشگاهی ثابت کرده است که یک خواننده نیمه ماهر، با استعداد و هوش نسبی، می‌تواند پس از هشت هفته تمرین ۲۰ تا ۵۰ درصد بر سرعت خواندن خود بیفزاید.

* در تمرین خواندن یک متن باید به کودک عادت بدهیم که نخست از ترکیب کردن معنی کلمه‌هایی که خوانده است مفهوم جمله را دریابد. این مفهوم را در حافظه نگاه دارد و آنرا به جمله‌های بعدی که می‌خواند ربط دهد. برای این کار باید در آغاز آموزش تندخوانی از متنهایی بسیار کوتاه و ساده استفاده کنیم که دور از فهم کودک و دارای کلمه‌ها و ترکیبهای ناآشنا نباشد. اگر جز این باشد، جز قهقهه کردن مغز او و بیزار کردنش از مطالعه و عادت دادنش به کندخوانی نتیجه‌ای نگرفته‌ایم.

* باید به کودک آموخت که هرگونه متنی را نمی‌توان و نباید تند خواند. کودک باید عادت کند که متنهایی علمی و مانند آنرا خیلی آهسته‌تر از داستان بخواند و درباره هر یک از کلمه‌ها یا عبارات و مفاهیم آنها دقت و فکر کند. هدف از تندخوانی مطبوعات و سرسری خوانی نیست. باید به کودک ثابت داد که تندتر بخواند و سریعتر درک کند.

* بلندخواندن و حرکت دادن لبها و اندامهای گفتار و نوسان دادن بدن و راه رفتن به هنگام خواندن و مطالعه کردن، مانع از تندخوانی می‌شود.

مورد نیاز خود را از کتابها به دست بیاورد و در زندگی و کار خود از آنها بهره بگیرد و راه موفقیت را برای خود هموار کند. گذشته از این، گنجینه گرانهایی از دانش و بینش به دست می آورد که به هنگام گفت و شنود با دیگران از آن استفاده می کند و مصاحبتش برای دیگران فرح انگیز و پرفایده می شود. ارزش این گونه افراد را جامعه به خوبی می شناسد، زیرا چنین کسی از خرمن دانشهایی که از راه مطالعه اندوخته است نه تنها خود بهره می گیرد، بلکه دیگران را نیز بهره می رساند و به رشد معنوی جامعه کمک می کند.

رشد اجتماعی و اقتصادی هر ملت به میزان اطلاعات و معلومات و مهارتهای افراد آن ملت بستگی دارد. در جهان امروزی اجرای هر برنامه اصلاحی که در آن تعلیم و تربیت صحیح افراد ملحوظ نباشد مواجه با شکست خواهد شد. به همین سبب هدف امروزی تعلیم و تربیت در هر جامعه پیشرفته ای این است که هر چه بیشتر بر عده افراد دانا و فعال و آگاه جامعه بیفزاید و آنها را از لحاظ دانشها و مهارتها طوری مجهز کند که برای زندگی حال و آینده خود و وظایف و مسئولیتهایی که جامعه با پیشینیهای قبلی برعهده آنان خواهد گذاشت مفید باشند.

که خانه و مدرسه هر دو به آن می پردازند، بگذرد و از آنچه آموخته اند در زندگی حال و آینده خویش بهره بگیرند. تنها مباحث و درسهای مدرسه برای رسیدن به نتیجه غایی تعلیم و تربیت و دریافت هر چه بیشتر دانستیها و مهارتها کافی نیست. در جامعه امروزی هر فرد نیاز دارد که به موازات آنچه در برنامه رسمی مدرسه به او آموخته می شود در زمینه مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علوم، صنایع و حرفه و فن، سلامت جسم و روح، تفریح و سرگرمی و استفاده از اوقات بیکاری، ادبیات و هنر، و مناسب داخلی و خارجی دانشی کافی به دست بیاورد. بسیاری از این گونه آگاهیهها جز از راه خواندن و مطالعه کردن به دست نمی آید و نمی توان آنها را یکجا، آن هم پس از فراغ از تحصیل، به دست آورد.

مقدمات آموزش خواندن و علاقه مند کردن کودک به مطالعه باید از همان نخستین سالهای زندگی کودک در خانه و کودکستان فراهم شود. پس از آن نیز خانه و مدرسه باید دوشادوش هم بر این پایه و پایه بیفزایند و عواملی برانگیزند تا کودک خواندن را به درستی و خوبی بیاموزد، به مطالعه کردن علاقه مند شود و در این کار مهارت یابد و مطالعه کردن به صورتی یکی از عاداتی او در آید.

پدر و مادر و مربی و معلم می توانند بهترین سرمشق علاقه مند کردن کودک به مطالعه باشند. هر چه که شما به کودک فرصت می دهید تا کتاب یا مجله ای

چنین افرادی نیاز دارند که هر چه مؤثرتر و سریعتر از مرحله فراگرفتن دانستیها و مهارتها،

را از راه مطالعه نوشته‌ها می‌شناسد و می‌آموزد. احساسات و عواطفش رشد می‌کند و لطیف می‌شود. اعتماد به نفس، سازگاری با محیط، بردباری و احترام به دیگران و راه زندگی کردن در جامعه را بهتر و سریعتر یاد می‌گیرد. در یک جمله باید گفت: هر کس بیشتر بخواند و بیشتر بداند، بیشتر می‌رود.

را ورق بزنند، به تصویرهای آن نگاه کنند، شما را طوالیج کند و جواب سؤالهایش را از شما بشنود، حس می‌کند که کتاب و مجله وسیله‌ای است برای لذت بردن و بیشتر دانستن. هر بار که شما صفحه‌ای از کتاب یا مجله‌ای را برای کودک در خانه یا کودکان یا مدرسه می‌خوانید و به او فرصت می‌دهید تا درباره آنچه برایش خوانده‌اید با شما حرف بزند، او احساس می‌کند که شما به مطالعه کردن علاقه‌مند هستید و او هم می‌خواهد چون شما باشد. هر بار که شما به او فرصت می‌دهید تا درباره مطلبی که در کتاب یا مجله‌ای خوانده است یا شما برایش خوانده‌اید حرف بزند، می‌فهمد که کتاب و مجله و خواندن و مطالعه کردن برای شما اهمیت دارد و او نیز می‌خواهد به کاری دست بزند که شما برای آن اهمیت قائلید.

کودک از راه علاقه‌مند شدن به مطالعه فرهای زیبایی پر از زیبایی را بدروی خود گشوده می‌بیند. با سرزمینهایی آشنا می‌شود که شاید هرگز در عمل خود قدم به آنها نگذارد. به آنچه در قرون و اعصار گذشته است دست می‌یابد. حاصل عمر و تلاش و کوشش هزاران دانشمند و ادیب و شاعر و هنرمند را در دسترس خود می‌بیند. بد چیزهایی پی می‌برد و از چیزهایی لذت می‌برد که دست یافتن به آنها هرگز بدون مطالعه کردن برایش امکان پذیر نبوده است. فرمانان داستانها و افسانه‌ها برایش جان می‌گیرند و فستی از دنیای تخیل و واقعیت او را تشکیل می‌دهند، بسیاری از دانشها و هنرها و فنون و صنعتها

کودک از راه علاقه‌مند شدن به مطالعه فرهای زیبایی پر از زیبایی را بدروی خود گشوده می‌بیند. با سرزمینهایی آشنا می‌شود که شاید هرگز در عمل خود قدم به آنها نگذارد. به آنچه در قرون و اعصار گذشته است دست می‌یابد. حاصل عمر و تلاش و کوشش هزاران دانشمند و ادیب و شاعر و هنرمند را در دسترس خود می‌بیند. بد چیزهایی پی می‌برد و از چیزهایی لذت می‌برد که دست یافتن به آنها هرگز بدون مطالعه کردن برایش امکان پذیر نبوده است. فرمانان داستانها و افسانه‌ها برایش جان می‌گیرند و فستی از دنیای تخیل و واقعیت او را تشکیل می‌دهند، بسیاری از دانشها و هنرها و فنون و صنعتها